

فرهیختگان| فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی هنوز هم مورد توجه قرار می‌گیرد. فیلمی که توانست جایزه اسکار را برای سینمای ایران به ارمغان بیاورد. این روزها پیتر برداشاو منتقد سینمایی روزنامه گاردین دست به کار تهیه فهرستی از فیلم‌های برتر نیم‌قرن اخیر سینمای جهان زده و لیستش را منتشر کرده و درباره این فیلم نوشته است: «جدایی نادر از سیمین» یک درام پیچیده، زیبا و در اغلب مواقع درخشان با اجراهای مهارشده و هوشمندانه‌است». در این فهرست فیلم‌های مطرح دیگری چون «پسر بیگي»، «هتل بزرگ بوداپست»، «نهنگ»، «۱۲ سال بر دگی»، «آیدا»، «یخ‌زده»، «یاسمین ابی»، «زیر پوست»... وجود دارند. در میان این فهرست نام فیلم «این یک فیلم نیست» جعفر پناهی نیز دیده می‌شود.



سختگوی وزارت ارشاد در گفت‌وگو با فرهیختگان سخنانش را تصحیح کرد

شجریان نیم‌قرن در خدمت هنر بوده است

فرهیختگان| سخنان حسین نوش‌آبادی، سختگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره محمدرضا شجریان به‌شدت حاشیه‌ساز شد. او گفته‌بود شجریان باید علترخواهی کند اما نگفته بود از که و چگونه. انتقادهای فراوانی که به حرف‌های این مدیر وزارت ارشاد وارد شد او را بر آن داشت تا حرف‌های خود را تصحیح کند. نوش‌آبادی به فرهیختگان گفته آثار شجریان قابل تقدیر است. او می‌گوید بازگشت شجریان به موسیقی کار مشکلی نیست اما توضیح نمی‌دهد مگر شجریان از موسیقی دور شده است که حالا بخواهد برگردد. سخنان او در نشست خبری خود درباره حضور محمدرضا شجریان در عرصه هنری و برگزاری کنسرت

توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد و واکنش‌هایی را نیز در پی داشت. او در آن جلسه گفته بود: «راه بازگشت به عرصه هنر برای شجریان باز است به شرطی که متعهدانه به هنر ایرانی -اسلامی خدمت کند و به چارچوب‌های نظام متعهد باشد.» بر همین اساس نوش‌آبادی در گفت‌وگو با فرهیختگان درباره فعالیت‌های شجریان خواننده شهیر ایرانی سخنان نشست خبری خودش را تصحیح کرد و گفت: «آقای شجریان حدود نیم‌قرن به هنر و موسیقی اصیل ایرانی خدمت کرده و آثار ایشان در حوزه فرهنگی، اجتماعی، دینی و دفاع مقدس قابل تقدیر است.» او درباره اظهارات نشست خبری‌اش در این گفت‌وگو می‌گوید: «آقای شجریان چهره

کافه کتاب

نقد رمان «ستاره دوردست» نوشته روبرت بولانیو ترجمه اسدالله امرایی

مصیبت فرجام کارهای شاعرانه



علی الله سلیمی

داستان‌نویس

در کشورهای آمریکای لاتین به همان اندازه که ادبیات درخشش خیره‌کننده‌ای داشته، ظهور و سقوط حکومت‌های دیکتاتوری و متعاقب آن خشونت هم نقش پررنگ‌تری در زندگی مردم این منطقه داشته است. در این میان، آرمانخواهی جوانان، مانند سایر کشورهای مشابه در گوشه و کنار دنیا در این قاره هم نمود پررنگی داشته که در برخی مواقع با خشونت موجود در جامعه در هم آمیخته است. مثال زنده این وضعیت ماجراهای رمان «ستاره دوردست» نوشته روبرتو بولانیو، نویسنده شیلیایی است که ترجمه جدیدی از آن اخیرا توسط اسدالله امرایی منتشر شده است. مترجم در مقدمه کتاب در معرفی نویسنده آورده است: «روبرتو بولانیو آباولوس شاعر و رمان‌نویس شیلیایی در ۱۹۵۳ متولد شده و در سال ۲۰۰۳ از دنیا رفته است. بولانیو که در دهه ۱۹۷۰ به تروتسکیست‌ها پیوسته بود، در سال ۱۹۷۳ برای کمک به انقلاب مسالمت‌آمیز شیلی و حمایت از سالوادور آلنده از مکزیک به شیلی بازگشت، پس از کودتای اوگوستو پینوشه، بازداشت شد. گرچه در ایامی که زنده بود به علت بداخلاقی و نقدهای گزنده‌اش مشهور بود، اما پس از مرگ به یکی از نویسندگان مطرح جهان تبدیل شد. روبرتو بولانیو سال‌هاست که لقب ناسازگارترین نویسنده آمریکای لاتین را یدک می‌کشد. با اینکه چند سالی از مرگش می‌گذرد، هنوز بسیاری نقدهای تند و گزنده این شاعر و رمان‌نویس برجسته را فراموش نکرده‌اند. شاید همین کینه تاریخی باشد که باعث شده او هیچ‌گاه آن‌طور که شایسته‌اش بود، مورد تحسین قرار نگیرد. داستان با روایت زندگی چند دانشجوی شاعر و آرمانخواه در جامعه شیلی پیش از کودتا شروع می‌شود که فعالیت‌های آنها در محافل ادبی بیشتر جنبه‌های رقابتی در بخش‌های ادبی و گاه عاشقانه دارد. ورود «کارلوس وایدر» که در ابتدا خود را «آلبرتو روئیس تآگله» می‌نامد، توازن جلسات ادبی را برهم می‌زند. او در رقابتی نه‌چندان پنهان، از خواهران گارمندیا (وورنیکا و آنخلیکا) که از اعضای کارگاه شهر خوان اشتاین هستند، دل می‌ریاید و عملا یک‌ه‌تاز جلسات کارگاه شعر می‌شود؛ شعر می‌خواند و دلبری می‌کند؛ متین و آرام است. (به غیر از خواهران گارمندیا، به نوعی مارتا خیکی را هم در دام خود اسیر می‌کند که البته پایان خوشی ندارد.) البته در پایان فصل اول رمان برای خواهران گارمندیا هم سرنوشت غم‌انگیزی رقم می‌زند. با انجام کودتا در شیلی، نقش واقعی وایدر که از عوامل امنیتی کودتاچیان است به مرور روشن می‌شود. بخش‌های اولیه داستان که در فضاهای روشنفکرانه و تا حدودی عاشقانه شروع شده بود، بعد از کودتای پینوشه و تغییر صحنه سیاسی در شیلی، به فضایی پلیسی، خشن و گاه ترسناک تغییر می‌کند؛ کارگاه شعر از هم می‌پاشد و اعضای آن، برخی از جمله راوی دستگیر می‌شوند و برخی دیگر همچون خواهران گارمندیا به تبعید خودخواسته می‌روند. پس از کودتا آلبرتو روئیس تآگله شاعر در فرآیندی که تا پایان داستان مبهم باقی می‌ماند به کارلوس وایدر افسر خلبان نیروی هوایی تغییر ماهیت می‌دهد. آنچه روئیس تآگله را به همزاد او کارلوس وایدر مربوط می‌کند



سرنوشت تکان‌دهنده خواهران گارمندیا در پایان فصل اول است. در آغاز فصل دوم راوی در یک ورزشگاه در بازدید است و شخصی که بعدا معلوم می‌شود همان کارلوس وایدر است در یک نمایش آکروباتیک هوایی شعری را در آسمان می‌نویسد. جنبه‌های جناییی که در ادامه به فضای داستان الحاق می‌شود، آن را به یک متن شبه‌پلیسی تبدیل می‌کند. با این حال، این رمان به همان اندازه پلیسی است که می‌شود گفت رمان غیرپلیسی است. در طول داستان حتی نشانی از یک پلیس واقعی برای ردیابی رفتارهای خشونت‌آمیز وایدر دیده نمی‌شود. هرچند راوی و دوست او، «بیبیانو ارایان» همواره ردپای وایدر در سلسله اتفاق‌های ناگوار پیرامون خود را پیگیری می‌کنند و تا حدودی شرحی از اقدامات مجرمانه وایدر را به مخاطب گزارش می‌دهند. در پی این گزارش‌هاست که مخاطب با فضای خفقان‌آور بعد از کودتا در جامعه شیلی آشنا می‌شود. البته زاویه نگاه نویسنده بیشتر فضاهای ادبی را نشانه رفته است و رعب و وحشت حاکم بر این فضاها را به خوبی به خواننده منتقل می‌کند. روبرتو بولانیو در رمان «ستاره دوردست» خواننده را با یک شگفتی دیگر از ادبیات آمریکای لاتین آشنا می‌کند. داستان سرشار از خرده‌روایت‌هایی است که هر کدام به نوعی مکمل داستان اصلی هستند؛ اما ماجراهای چرنیای خشکی روسی گرفته تا زندگی و سرنوشت تک‌تک شخصیت‌هایی که در این رمان نماینده نویسندگان و شاعران مختلف شیلی و حتی دیگر کشورهای جهان هستند. رمان پر از شخصیت‌های ادبی ساخته‌وپرداخته ذهن نویسنده است که بسیاری از آنها از شخصیت‌های واقعی الهام گرفته شده‌اند. البته از اسامی چهره‌های ادبی مشهور هم در بخش‌های مختلف داستان بهره گرفته شده است.

چاپ اول (۱۳۹۳) رمان «ستاره دوردست» نوشته روبرتو بولانیو، با ترجمه اسدالله امرایی، در ۱۵۲ صفحه، با شمارگان هزار نسخه و قیمت هفت هزار و ۵۰۰ تومان از سوی انتشارات نگاه چاپ و منتشر شده است.

اکران «ساز دهنی» بعد از ۴۰ سال در گفت‌وگو با داریوش مهرجویی، سیروس الوند و احمد طالبی نژاد:

یک ساز و چند صدا



سیروس الوند:

«ساز دهنی» یک نگاه جهان‌شمول دارد

نادری از فیلمسازان برجسته‌ای بود که همراه با شکل‌گیری موج نو سینمای ایران در اواخر دهه ۴۰ به عرصه فیلمسازی آمد. عکاس حرفه‌ای خیلی خوبی بود که بعدها با فیلم «خداحافظ رفیق» وارد سینمای حرفه‌ای شد. «ساز دهنی» یکی از بهترین کارهای اوست. فیلم در کانون پرورش فکری ساخته شده است. فیلمی که مخاطبش گروه سنی کودک و نوجوان است ولی نگاهی که به موضوع دارد، به نظم نگاه جهان‌شمولی است و جزء فیلم‌های ماندگار سینمای ایران است. فکر کنم این فیلم در بندرعباس ساخته شده است. خیلی خوب است که این فیلم‌ها در گروه هنر و تجربه اکران می‌شود تا نسل جوان فیلم‌های گذشته سینمای ایران را ببینند، بشناسند و فیلم‌های خوبی که قبل از انقلاب ساخته شده است، فراموش نشود. گروه هنر و تجربه، تجربه خوبی برای سینمای ایران و سینماگران است.

گفت‌وگو با احمد طالبی‌نژاد:

جای امیر نادری در سینمای ایران خالی است

ببینند که فیلمسازان بزرگی مانند کیارستمی و مسعود کیمیایی، امیر نادری، بهرام بیضایی و ناصر تقوایی در آن سال‌ها در برابر جریان موسوم فیلم‌فارسی چه آثار ارزنده و ارزشمندی خلق کردند.

نادری و فیلم‌هایش چقدر در سینمای ایران تأثیرگذار بودند؟

تأثیرگذاری امیر نادری بیشتر از جهت شیوه فیلمسازی‌اش بود. اگر بخواهیم مختصات کار او را دنبال کنیم این است که موضوعات اجتماعی را دنبال

می‌کرد و به شکل پارابتزانی یا چریکی هم فیلم‌هایش را می‌ساخت. بعدها هم که حتی فیلم‌های بلند ساخت، این شیوه را دنبال کرد، با بودجه کم فیلم می‌ساخت و این موضوع خیلی به موقع در ذهن نسلی که بعد از انقلاب وارد فیلمسازی حرفه‌ای شدند، تأثیر گذاشت. بعضی بیضایی، همان فیلم‌هایی که من نامش را گذاشته‌ام فیلم‌های کانونی، اینها باعث شده‌اند من اساسا از فیلم‌فارسی بدم بیاد. خیلی خوشحالم که این فرصت پیش آمده که نسل جوان هم دوباره این آثار را که سال‌های سال بیهوده در انبارهای کانون خاک می‌خورند، تماشا کنند و



ماندگار هنر اسلامی - ایرانی است و می‌تواند مجدد به عرصه هنر موسیقی برگردد و همکاری ایشان و همراهی برای ادامه خدمت در حوزه موسیقی کار مشکلی نیست.» سختگوی وزارت ارشاد در بخش دیگری از سخنانش رویکرد دولت و نظام را تشریح می‌کند و معتقد است: «سیاست نظام و دولت، مبتنی است بر جذب حداکثری و دفع حداقلی و این نگاه را شخص مقام معظم رهبری



گزارش اول

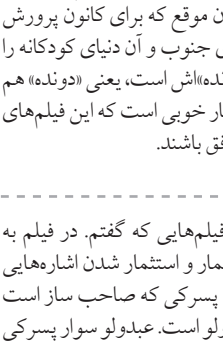
و ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران آقای روحانی دارند و علاقه‌مندند کسانی که به مردم و انقلاب و ارزش‌ها و قانون اساسی احترام می‌گذارند مانعی برای فعالیت‌ها و خدمات آنها به وجود نیایند.» نوش‌آبادی در بخش دیگری از سخنانش معتقد است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئول رسیدگی به صلاحیت عمومی افراد نیست و می‌گوید: «وظیفه ارزیابی‌های سیاسی و امنیتی افراد به نهادهای دستگاه‌های دیگر محول شده است. وزارت ارشاد توانمندی‌ها و تجارب افراد را در حوزه فنی و تخصصی و هنری بررسی می‌کند و در مواقع مورد نیاز از دستگاه‌های ذ‌یربط نسبت به صلاحیت عمومی استعلام می‌کند.»

مهریانو اینجودست | «ساز دهنی» یکی از مهم‌ترین ساخته‌های امیر نادری کارگردان تأثیرگذار موج نو سینمای ایران از امروز در گروه هنر و تجربه نمایش خود را آغاز می‌کند. سومین ساخته امیر نادری که به سال ۱۳۵۲ ساخته شده است، جایزه‌های ارزشمندی برای سینمای ایران در داخل و خارج از کشور به همراه داشت که از آن جمله می‌توان به مدال طلای شهر جیفونی و جایزه گریفون برنزی یادبود دومینکو مکوئی اشاره کرد که هر دو در سال ۱۳۶۲ به نادری داده شد. فیلمبرداری علیرضا زرین‌دست و تدوین سهراب شهیدنالت از مولفه‌های مهم این فیلم هستند. «ساز دهنی» در سال اکرانش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های سینمای هنری ایران محسوب شد و از آن به‌عنوان انقلابی در سینمای آن سال‌های ایران یاد می‌کنند. «ساز دهنی» یکی از شخصی‌ترین فیلم‌های نادری است که از کودکی خودش نیز الهام گرفته شده است. نادری از تخمه‌فروشی جلوی سینما کارش را شروع می‌کند و بعدها کنترلچی و آپاراتچی سینما در آبادان می‌شود تا اینکه در تهران پایش به عکاسخانه‌ها باز می‌شود و آشنایی‌اش با علیرضا زرین‌دست پای او را به‌طور جدی به سینما باز می‌کند. کار حرفه‌ای در سینما را با عکاسی فیلم در فیلم‌های «رضا موتوری» «قیصر» و «بیگانه‌بیا» مسعود کیمیایی و حسن کچل علی حاتمی شروع می‌کند و در سال ۱۳۵۰ نخستین فیلم خود به نام «خداحافظ رفیق» را با تشویق پرویز دویلی منتقد سینمایی می‌سازد. نمایش «ساز دهنی» سومین فیلم امیر نادری در حالی از امروز در گروه هنر و تجربه شروع می‌شود که به نظر می‌رسد وضعیت مشا‌بهی را سینمای ایران نسبت به سال ساخت آن تجربه می‌کند. سینمای امیر نادری در برابر «فیلم‌فارسی» قرار داشت و به نظر می‌رسد بازخوانی این فیلم این روزها از اهمیت بالایی برخوردار باشد.

داریوش مهرجویی:

«ساز دهنی» همان دهنده است

من فکر می‌کردم در گروه هنر و تجربه، فقط مستندها پخش می‌شود. اگر فیلم‌های سینمای ایران را پخش می‌کنند، پس چرا تا به حال هیچ‌یک از فیلم‌های من را نشان ندادند؟ اما اینکه فیلم «ساز دهنی» امیر نادری اکران شده، خیلی خوب است، به شرطی که نسخه خوبی از آن داشته باشند. «ساز دهنی» یکی از فیلم‌های خوب نادری است. الان هم خاطره‌ای از آن فیلم یا خود نادری ندارم. نمی‌دانم چند سال پیش، همان موقع که برای کانون پرورش فکری ساخته شد، فیلم را دیدم. فیلم قشنگی است. فضای جنوب و آن دنیای کودکانه را خیلی قشنگ نشان می‌دهد. به نظرم «ساز دهنی» همان تم «دهنده‌اش است، یعنی «دهنده» هم یک جوری متحول‌شده همان ساز دهنی است. واقعا خیلی کار خوبی است که این فیلم‌های قدیمی را برای مردم نشان می‌دهند. امیدوارم در این زمینه موفق باشند.



است بین فیلم‌هایی که گفتیم. در فیلم به بحث استعمار و استثمار شدن اشاره‌هایی شده است. پس‌ری که صاحب ساز است نامش عبدلولو است. عبدلولو سوار پس‌ری شده که عاشق ساززدن است. اسمش امیرو است. امیرو او را به مدرسه و بازار می‌برد. ما تعبیرمان همان استعمار است. در انتهای فیلم، امیرو ساز دهنی را پرت می‌کند و وسط دریا. این بحث ره‌اشدن از هرگونه وابستگی است و هر چیزی که باعث می‌شود آدم به‌خاطرش تن به خفت بدهد. بحث مسائل اجتماعی طبقاتی است و حتی بحث فلسفی هم دارد.

اگر امیر نادری الان برگردد ایران آیا با این شیوه فیلمسازی که الان موجوداست می‌تواند فیلم خودش را بسازد؟

اولش شما باید ببینید خودش می‌خواهد برگردد و میلی دارد یا این وضعیت موجود برای سینمای اجتماعی برگردد؟ دوم اینکه اگر بیا‌ید چگونه و چه خواهد شد، من اصلا نمی‌دانم. فیلمسازی‌ای که اینجا بوده‌اند و برادری‌شان را ثابت کرده‌اند، هزار جور مشقت را باید تحمل کنند مثل کیانوش عیاری که برای فیلم آخرش این بالا‌ها به سرش آمد. چه اسراری داریم که امیر نادری برگردد؟ البته من دلم می‌خواهد که برگردد. خیلی جایش در سینمای ایران خالی است. ولی فکر نمی‌کنم که چنین اتفاقی بیفتد. ما باید سعی کنیم که امیر نادری‌های دیگر نروند. الان دوباره موج کوچکی از مهاجرت فیلمسازان جوان ما به آن طرف مرزها شروع شده است. باید جلوی امیر نادری‌های بعدی را گرفت که نروند. او که حالا سیی سال است رفته، خیلی هم میل به برگشتن ندارد.

کافه کتاب

تاجماه



تاجماه

نویسنده: فریده فرجام

ناشر: مروارید

چاپ اول ۱۳۹۳

فرهیختگان| نشر مروارید هم دست به کار چاپ نمایشنامه ایرانی شده و همین است که «تاجماه» نوشته فریده فرجام را منتشر کرده است. کتابی که سه نمایشنامه را در خودش جا داده است. «عروس» و «هوای مقوایی» دو نمایشنامه دیگر این مجموعه هستند. فرجام متولد ۱۳۱۳ است و در آمریکا تئاتر خوانده و با گروه تئاتر «نان و عروسک» همکاری داشته است. این مجموعه نمایشنامه در سال ۱۳۴۵ در ۱۰ هزار نسخه منتشر شد. او اولین زن نمایشنامه‌نویس ایران و اولین زنی است که برنده جوایز بین‌المللی ادبی برای ایران شده است. نمایشنامه «تاجماه» نتیجه مطالعه فرجام در دوره قاجاریه و الهام از فضای خانه‌های قدیمی خانواده خودش در اطراف کاخ گلستان است. پس از سال‌ها این نمایشنامه‌ها در ۱۶۵۰ نسخه منتشر شده‌اند.

چهره‌ها



سینما

ترانه
علیدوستی

فرهیختگان| جشنواره سی‌وسوم فجر امسال ترانه ندارد. ترانه علیدوستی که امسال می‌توانست با دو فیلم در جشنواره باشد با حذف‌شدن هر دو فیلم از گردونه رقابت‌های فجر دیگر حضوری در این جشنواره نخواهد داشت. او در فیلم‌های «استراحت مطلق» ساخته عبدالرضا کاهانی و «مادر قلب اتمی» ساخته علی احمدزاده بازی کرده بود که این فیلم‌ها در عین آماده‌بودن شانس برای حضور در جشنواره نداشتند.



تجسمی

حسن
حاضرمنار

فرهیختگان| حسن حاضرمنار هنرمند خودآموخته مجسمه‌ساز و نقاشی بود که ۱۴ دی در ۹۰ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت و دبروز صبح به‌تاک سپرده شد. او گیلانی بود و برای گذران وقتش نقاشی می‌کرد و مجسمه می‌ساخت و کنار خیابان آنها را می‌فروخت تا اینکه روزی کامیوز درم‌بخش او را کشف کرد.



موسیقی

رضا
یزدانی

فرهیختگان|سر رضا یزدانی این روزها شلوغ است. او که به تازگی آلبوم «سلول شخصی» را در دو سی‌دی منتشر کرده در قسمت اول سریال «آبله» ساخته کمال تبریزی نیز با یک کلیپ حضور دارد. این سریال قرار است به شبکه نمایش خانگی بیاید. در قسمت اول این سریال بنیامین بهادری و مهدی پرا‌حی هم هرکدام کلیپ‌های خودشان را ضبط کرده‌اند.